

تابوسازی؛ بدترین رویکرد در مواجهه با خشونت‌های جنسی است

اگرچه تبعیت چشم‌پسته از الگوهایی که بر مبنای فرهنگ‌های کشورهای غربی طراحی شده‌اند، امری ناکارآمد است، اما پنهان‌سازی آمارها و ارقام و عدم شفافیت مشکلات این حوزه، یا عدم آموزش مسائل جنسی به شکل شرعی و عرفی آن، مشکلات رانه تنها اصلاح نمی‌کند، بلکه باعث افزایش روزافزون این مشکلات خواهد شد. همان‌طور که عدم شفافیت و کاستی اطلاعات یا منابع در حوزه‌های دیگر، مثلاً تغذیه، منجر به این می‌شود که طبقات و گروه‌های حساس‌تر و ضعیف‌تر، بیشترین آسیب را متحمل شوند، در حوزه جنسی نیز، تابوسازی این مسائل، درنهایت منجر به عدم سلامت و رشد جنسی، روانی و اجتماعی کودکان خواهد شد.

یکشنبه ● ۲۴ دی ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و هفت

مردطنس

برسهای در اندیشه‌ها و نظر به‌ها

بررسی زمینه‌های شکل‌گیری و عوارض سوءاستفاده جنسی از کودکان

خشونت‌ی علیه تن کودکان



سوءاستفاده از کودکان، به معنای هر نوع بدرفتاری فیزیکی و روانی-عاطفی با کودکان است.

در سال، مجبور به تن‌فروشی می‌شوند و حدود ده میلیون کودک تن‌فروش، در دنیا وجود دارد. این کودکان، عموماً نه به اختیار خود، بلکه با زور فیزیکی، وعده‌هایی دروغین یا به هر حال به دلیل کمبود اطلاعات و عدم آگاهی از پیامدهای این کار، وارد این حوزه می‌شوند. این امر، نه تنها آنها را در معرض ابتلا به انواع بیماری‌ها قرار داده و باعث مرگ و میر کودکان می‌شود، بلکه سلامت روان آنها را تهدید کرده و آنها را در معرض خشونت‌های بیشتر قرار می‌دهد. گزارش‌ها نشان داده‌اند که پنج‌درصد کودکان در ویتنام و ۱۷ درصد در تایلند، به‌ویروس اچ‌آی‌وی مبتلا هستند. تن‌فروشی کودکان، همچنین آثار بسیار مخرب و بلندمدتی بر ذهن و روان -از جمله اضطراب، افسردگی و اختلالات رفتاری دارد. این کودکان، در معرض اقدام به خودکشی و اختلال استرس پس از سانحه هستند. یک مطالعه انجام‌شده در ایالات متحده نشان داد که ۴۱ درصد از نوجوانان تن‌فروش که حامله شده‌اند، گزارش کرده‌اند که به طور جدی در معرض ابتلا به خودکشی قرار

ژاویه دید

سوءاستفاده جنسی، شامل هرگونه اقدام جنسی یک بزرگسال و یک کودک است که حتی لمس نامناسب را نیز دربر می‌گیرد. یک بررسی -که در ۲۱ کشور (عمدتاً توسعه‌یافته) انجام شد- نشان داد که حدود ۳۶ درصد زنان و ۲۹ درصد مردان، از سوءاستفاده جنسی در دوران کودکی خود رنج برده‌اند.

نگاه

خانواده و پیشگیری از آزار جنسی کودکان

احساس ناخوشایندی در این زمینه دارد، به احساس او احترام بگذارند. پرداو همکارانش (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای نشان دادند که ۵۰درصد کودکان زیر ۶ سال و ۲۳ درصد از کودکان ۱۲ تا ۱۷ سالی که در آمریکا مورد آزار قرار می‌گیرند، توسط اعضای خانواده یا خویشاوندان‌شان مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. افرادی که مرتکب آزار جنسی می‌شوند، علائم خاص رفتاری یا ظاهر و چهره خاص و عجیبی ندارند. بنابراین، آموزش این نکته به کودکان الزامی است که هر کسی -فارغ از نسبت خانوادگی یا آشنایی با خانواده- که به او محبت می‌کند یا سعی در جذب عواطف کودک دارد، اجازه ندارد که مرزهای بدنی یا حسی کودک را نادیده بگیرد.بیان احساسات ناخوشایندی که کودکان ممکن است در ارتباط با سوءاستفاده جنسی دچار آن شوند، برای آن‌ها بسیار دشوار است. افراد مطمئن که کودکان امکان بازگشایی رازها و بیان احساسات‌شان را در حضور آن‌ها دارند، غالباً کسانی هستند که کودکان نسبت به آن‌ها احساس شرم و حیا می‌کنند. بنابراین این والدین هستند که باید به شکل مستقیم و غیرمستقیم، شرایط را برای بیان احساسات آزارنده کودکان فراهم کنند. باید پیش از وقوع هر اتفاقی، از کودکان خواست که اگر کسی (حتی نزدیکان) به



کتینو | ۱۱

آسیب‌های اجتماعی ایران در سال‌های ۸۰ تا ۸۸ می‌پردازد، یافته‌هایی از پژوهش دکتر سعیدمدنی ودیگران (۱۳۸۶) نقل شده است. این یافته‌ها موبد این حقیقت بوده‌اند که بسیار از کودکان تن‌فروش، در سنین کودکی، مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته بوده‌اند. به این ترتیب، ارتباط بین سن روسی‌شدن با سابقه آزار جنسی، در آزمون‌های آماری، معنی‌دار بوده‌است. احتمال این که کودکانی که مورد استفاده جنسی قرار می‌گیرند، در بزرگسالی به‌چرم‌تن‌فروشی دستگیر شوند، ۷/۲۷ بار بیشتر از کودکانی است که قربانی این مسئله نمی‌شوند. احتمال ورود مردان و زنانی که در کودکی یا نوجوانی مورد تجاوز قرار گرفته یا مجبور به انجام فعالیت جنسی شده‌اند، به روسپیگری، چهار برابر کسانی است که قربانی این مسئله نشده‌اند. هر سال شاهد افزایش آمار تعداد کودکان بازمانده از تحصیل هستیم که خود، نشانه افزایش تعداد کودکان کار است. کودکانی که برای تأمین مایحتاج خانواده، مجبور به کار می‌شوند و از جنبه‌های مختلف مورد آزار قرارمی‌گیرند. بر اساس پیمان‌نامه حقوق کودک -که مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۱/۱۲/۱۳۷۲ تصویب کرد- برخورداری از آموزش و پرورش، حق هر کودک است و دولت‌ها باید امکان آموزش ابتدایی رایگان و اجباری را برای همگان فراهم آورند. اگر در کشورهای توسعه‌یافته، میزان زیادی از سوء استفاده‌های جنسی، مربوط به محیط خانه است، باید گفت متأسفانه در ایران، کودکان کار بیشتر در کارگاه‌های بسته و در خیابان‌ها مورد خشونت جنسی کارفرما یا همکاران‌شان قرار می‌گیرند. بنابراین در اینجا فقط مسئله عدم آگاهی یا عدم آموزش به کودکان و تابویودن این آموزش‌ها را نداریم. کودکان گاهی با آگاهی، اما به دلیل فقر مالی، مجبور می‌شوند در ازای حفظ کارشان یا دریافت پول بیشتر، در این خصوص همکاری کرده و این مسئله را گزارش نکنند. همچنین ممکن است عوامل دیگری، مانند مهاجربودن از یک شهر یا کشور دیگر، مزید بر علت شود؛ یعنی مهاجربودن، ممکن است هم احتمال خشونت و سوء استفاده را بالا ببرد و هم احتمال گزارش‌دادن را پایین بیاورد. بنابراین، صرف غیرقانونی‌بودن کار کودکان -که منجر به پنهانی‌بودن کار آنها می‌شود- می‌تواند منجر به اعمال سوءاستفاده از آنها شود. سیاستگذاران و مسئولان مربوطه باید تدابیری بیندیشند تا در مناطق محروم یا حاشیه‌ای، شرایط به نحوی پیش برود که کارفرمایان نتوانند به سادگی از کودکان استفاده و سوءاستفاده کنند. همچنین فقدان چرخش اطلاعات و آمار دقیق، روشن و تفکیک‌شده و عدم دسترسی محققان به این آمارها، باعث تحلیل‌های اشتباه، سوءاستفاده‌های شبکه‌ها و رسانه‌های بیگانه و افزایش روزافزون این مشکلات است.



● یادداشت ●

● فاطمه کاشی ●

آزار جنسی کودکان و پیامدهای آن

به گزارش سازمان جهانی بهداشت، حدود ۲۰٪ زنان و بین ۵ تا ۱۰٪ مردان، در کودکی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند و بین ۲۵ تا ۵۰٪ درصد کودکان، انواع آزار جسمی را گزارش می‌کنند. پیامدهای بلندمدت‌بدرفتاری با کودکان، می‌تواند بر تمام ابعاد زندگی -از سلامت جسم گرفته تا سلامت روان، عملکرد تحصیلی، شغل و روابط عاطفی آنها در آینده- اثر بگذارد. درنهایت، آزار جنسی کودکان -به غیر از ابعاد انسانی که در بر دارد- می‌تواند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را به تأخیر بیندازد. آزار جنسی کودکان، با آزار جنسی بزرگسالان، متفاوت است. در کودک‌آزاری، معمولاً برخورد فیزیکی اجباری و تحمیلی اتفاق نمی‌افتد و فرد متجاوز، تلاش می‌کند با قرب‌پ دادن کودک و جلب اعتماد او، آزار را پنهان کند. فرد متجاوز، عموماً آشنا و مورد اعتماد و یا حتی یکی از اعضای فامیل کودک است. آزار جنسی کودکان، معمولاً بلندمدت بوده و ممکن است تا سال‌ها ادامه پیدا کند، بارها تکرار شود و در طول زمان، شدیدتر شود. فرد آزاردهنده معمولاً حلی فرآیندی و در طول زمان، رابطه را به تدریج جنسی می‌کند. یک‌سوم از کل موارد آزار جنسی کودکان، جزء زنا یا با محارم محسوب می‌شود و توسط نزدیکان کودک انجام می‌گیرد. ریسک آزار جنسی در کودکان، در کنار برخی عوامل افزایش پیدا می‌کند. جنسیت در اینجا نقش مهمی را بازی می‌کند. آزار جنسی علیه دختران، بیشتر از پسران است. (البته جنسیت قربانی، به عوامل فرهنگی نیز بستگی دارد و در بعضی فرهنگ‌ها کودکان پسر بیشتر مورد آزار جنسی‌واقع می‌شوند.) کودکانی که تنها گذاشته می‌شوند، کودکان بدسرپرست، کودکان یتیم، فرزندخواندگان، کودکانی که ناپدری یا نامادری دارند و کودکان دارای معلولیت جسمی یا ذهنی، بیشتر در معرض آزار جنسی قرار دارند. عواملی چون فقر، جنگ‌زدگی، مشکلات روانی والدین، تک‌سرپرستی و سرمایه اجتماعی پایین هم می‌تواند به بیشترشدن ریسک آزار جنسی در میان کودکان کمک کند. کودکان به دلیل ترس از فرد آزاردهنده، نمی‌توانند بلافاصله آزار را به اطلاع دیگران برسانند؛ زیرا فرد آزاردهنده ممکن است کودک را به انواع مختلف تهدید کند و از اطلاع‌رسانی بازدارد. کودک مجبور می‌شود آزار جنسی را پنهان کند و احساس ناپایدی به او دست می‌دهد. ترس و ناپایدی او از باخیرشدن دیگران، او را به تسلیم بیشتر در برابر متجاوز و امی‌دارد. اکثر آشکارشدن آزار جنسی کودکان، اتفاقی است. مادر کودک معمولاً پس از شکایت او از درد جسمانی و یا دیدن نشانه‌های آشکاری چون خون‌ریزی، در طول زمان متوجه آزار جنسی می‌شود، اما ممکن است خودش نیز قربانی خشونت از سوی فرد آزاردهنده باشد. افراد دیگر همچون معلمان یا دوستان و آشنایان نزدیک نیز ممکن است نشانه‌های آزار جنسی را در یابند. نشانه‌های جسمی آزار کودک، مواردی همچون آسیب‌دیدگی ناحیه تناسلی، ترشحات ناحیه تناسلی، آسیب‌دیدگی مقعد، درد، عفونت، بیماری‌های تناسلی، حاملگی و... هستند. همچنین برخی رفتارهای کودک مثل عملکرد ضعیف تحصیلی، مشکلات خواب، مشکلات تغذیه، افسردگی و اضطراب، ضعف اعتمادبه‌نفس و رفتارهای جنسی نامناسب سن کودک نیز می‌توانند علامت آزار جنسی باشند. آزار جنسی می‌تواند پیامدهای بسیار ناگوار جسمی و روانی داشته باشد. معمولاً کودکان آزاردیده جنسی، دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند، اعتماد به نفس ندارند، توانایی‌های شناختی آنها پایین است و عملکرد خوبی در اجتماع ندارند. همچنین ممکن است دچار عوارضی چون رفتارهای جنسی بیمارگونه، اختلال اضطراب پس از حادثه و یا مصرف مواد مخدر شوند. در کشوری مثل ایران -که مسائل جنسی شدیداً تابو محسوب می‌شود- وضعیت بدفرج‌تر است و گزارش‌دهی آزار جنسی، وضعیت نامطلوبی دارد. همچنین کودکان و والدین آنها آموزش‌های لازم را برای مقابله با موقعیت‌های خطرناک، دریافت نمی‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد دختران نوجوان و جوان در خیابان نیز با انواع آزار جنسی -از متلک‌پرانی گرفته تا لمس شدن- به کرات مواجه می‌شوند. اینکه کودکان بتوانند با سلامت روانی و جسمی رشد کنند و به اعضای موثر جامعه تبدیل شوند، نیازمند محیطی امن است که خالی از انواع مختلف آزار جنسی باشد.

دانشجوی دکتری راه‌آه اجتماعی